



تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵

حکمرانی و توسعه

دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

صفحه ۱۴۶-۱۲۵

Evaluation and assessment of financial literacy of Guilan Governorate employees

Sajjad Salehi Korabadi^{1*}, Farzane Zaddousti², Parvane Zaddousti³

Abstract

Financial literacy refers to the set of skills and perceptions required to manage monetary resources. Despite the significant importance of financial literacy concepts, this issue has been less explored in domestic researches and education and measuring the level of financial literacy of different segments of society in the country has not been paid much attention. Accordingly, the present research has been designed and carried out with the aim of measuring the financial literacy of Guilan Governorate staff. The statistical population of this study consisted of all official and contract employees of Gilan governorate and subordinate governorates of 819 people that based on Morgan's table and using the available sampling method, 265 people were selected as sample members. The data collection tool was the standard questionnaire for measuring financial literacy in Iran, that data collected through the questionnaire were analyzed using various inferential statistical techniques such as comparison of the mean of one sample and two independent samples, analysis of variance and regression and Duncan test and different results were obtained. Finally, the research results showed that we can mention the relatively low financial literacy of Guilan Governorate staff and the impact of some demographic characteristics such as age and gender on the rate of employees' financial literacy. It was also found that the financial literacy rate of employees in different deputies of Guilan Governorate and subordinate governorates is different.

Keywords: Financial Literacy, Demographic Characteristics, Guilan Governorate

1. Ph.D. in Public Administration, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), E-mail: sajjad.salehi1362@yahoo.com

2. Master of Public Administration, Guilan Audit Court, Rasht, Iran, E-mail: f.zaddousti@gmail.com

3. Business Management Researcher, Expert of the Guilan Audit Court, Rasht, Iran, E-mail: p.zaddousti@gmail.com

ارزیابی و سنجش سواد مالی کارکنان استانداری گیلان

سجاد صالحی کردآبادی^{۱*}، فرزانه زاددوستی^۲، پروانه زاددوستی^۳

چکیده

سواد مالی به مجموعه مهارت‌ها و ادراک‌های لازم جهت مدیریت منابع پولی اطلاق می‌شود. به رغم اهمیت چشم‌گیر مفاهیم سواد مالی، این موضوع در پژوهش‌های داخلی کمتر مورد کنکاش قرار گرفته و آموزش و اندازه‌گیری سطح سواد مالی اقشار مختلف جامعه در کشور مورد توجه چندان نبوده است. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف سنجش سواد مالی کارکنان استانداری گیلان طراحی و اجرا گردیده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارکنان رسمی و پیمانی استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه به تعداد ۸۱۹ نفر بوده است که بر اساس جدول مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس، تعداد ۲۶۵ نفر به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه استاندارد سنجش سواد مالی در کشور بوده است، که داده‌های گردآوری‌شده از طریق آن به کمک تکنیک‌های مختلف آمار استنباطی از جمله مقایسه میانگین تک‌نمونه‌ای و دو نمونه‌ای مستقل، آنالیز واریانس و رگرسیون و آزمون دانکن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. درنهایت، نتایج پژوهش نشان داد که می‌توان به کفایت نسبتاً اندک سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و تأثیر برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله سن و جنسیت بر سطح سواد مالی کارکنان اشاره نمود. همچنین مشخص گردید که میزان سواد مالی کارکنان در معاونت‌های مختلف استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه متفاوت است.

واژگان کلیدی: سواد مالی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، استانداری گیلان

۱. دکترای مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: sajjad.salehi1362@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دیوان محاسبات استان گیلان، رشت، ایران، رایانامه: f.zaddousti@gmail.com

۳. پژوهشگر مدیریت بازرگانی، کارشناس دیوان محاسبات استان گیلان، رشت، ایران، رایانامه: p.zaddousti@gmail.com

مقدمه

سواد مالی^۱ بر مبنای نظر بنیاد مالی تحقیق در آموزش انگلستان، توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن، تعریف شده است (صبری و همکاران^۲، ۲۰۱۲). پس از طرح این مفهوم، سواد مالی به‌عنوان یک موضوع تحقیقاتی مهم شناخته شد و تحقیقات متفاوتی در این زمینه صورت پذیرفت. موضوع سواد مالی و لزوم بررسی آن بدین لحاظ با اهمیت است که عدم کفایت سواد مالی، زندگی افراد، خانواده، دوستان و شرکای تجاری آنها را به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و این امر اثرات نامطلوبی بر جامعه داشته و حتی سبب کاهش ثروت ملی و درنهایت، کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می‌گردد (معین‌الدین، ۱۳۹۰). سواد مالی و درک مفاهیم آن برای کارمندان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در دوران اشتغال تأثیر شگرفی بر وضعیت مالی آنان پس از بازنشستگی دارد. همچنین، مطالعات نیز بیانگر آن است که مسائل و مشکلات مالی و فشارهای اقتصادی که طبعاً بخشی از آن ناشی از عدم سواد مالی کافی است، می‌تواند با ناهنجاری‌هایی مثل خصومت‌های خانوادگی، رفتارهای تند و خشن، افزایش رفتارهای نابهنجار در سطح جامعه و ... رابطه داشته باشد.

با توجه به موارد فوق و اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با سواد مالی و تأثیر آن بر رفاه مالی افراد و خانوارها، متأسفانه این موضوع تا به حال در کشور ما به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، این موضوع و لزوم آموزش و ارتقاء آن در مجامع آکادمیک و تحقیقات دانشگاهی نیز مورد ملاحظه قرار نگرفته است. علاوه بر این، مباحث مرتبط با سواد مالی در هیچ‌یک از مقاطع تحصیلی تدریس نمی‌شود، حال آنکه برخی از کشورهای توسعه‌یافته حتی برای دبیرستان‌ها نیز سرفصلی مدون تحت این عنوان تدارک دیده‌اند و برای رشد سواد مالی از تمامی ابزارهای موجود از جمله اینترنت بهره می‌گیرند (معین‌الدین، ۱۳۹۰). درباره اهمیت موضوع و ارتباط آن با دانش حسابداری می‌توان چنین بیان نمود که به نظر محققان یکی از راهکارهای اساسی برای توسعه دانش حسابداری در جامعه تلاش برای ارتقاء سطح دانش حسابداری در مجامع سازمانی و حرفه‌ای برای رفع نیازهای جدید ایجادشده ناشی از پیشرفت‌های جامعه است.

حال با این توضیح وقتی به سواد مالی و اطلاعات عمومی شهروندان کشورمان می‌نگریم، با خلاء بزرگ کم‌سوادی مالی در میان اقشار مختلف جامعه و کارکنان بخش‌های مختلف روبه‌رو می‌شویم. با توجه به نتایج و تأثیر بی‌سوادی مالی در بعد اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته که از تمامی ابزارهای

1. Financial literacy
2. Sabri et al.

موجود خود برای توسعه سواد مالی و افزایش توان مالیه شخصی افراد بهره می‌گیرند، باید این سوال را مطرح کرد که وضعیت سواد مالی و مالیه شخصی در میان کارکنان سازمان‌های کشور ما چگونه است؟ تاکنون چندین مطالعه دانشگاهی به بحث در خصوص سواد مالی و مالیه شخصی پرداخته است؟ چند پژوهش در خصوص اندازه‌گیری سطح سواد مالی در سطوح مختلف جامعه نظیر دانشجویان، کارگران، کارمندان، عامه مردم و ... وجود دارد؟ آیا آموزش‌های ضمن خدمت کارکنان و کارمندان دربرگیرنده آموزش مسائل مالی نیز هست؟ آیا لازم است اقشار مختلف جامعه تحت آموزش سواد مالی قرار گیرند؟ این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر در این حوزه طبعاً در کشور و سازمان‌های ما یا بدون جواب است یا فاقد جواب قاطع و منطقی؛ بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده و از آن جایی که مبحث سواد مالی و مالیه شخصی تمام اقشار جامعه را دربرمی‌گیرد و تأثیر زیادی بر رفاه مالی و امنیت اجتماعی افراد و درنهایت توسعه کشور دارد، لازم است این مسأله را وارد حوزه مطالعات دانشگاهی و حرفه‌ای نمود تا در آینده با انجام یک سلسله مطالعات جهت‌دار و هدفمند درصد رفع این معضل برآمده و بتوان به مدل مناسب جهت توسعه و ارتقاء سواد مالی در سطح سازمانی و در سطح کلان‌تر در کشور دست یافت. بر این اساس، این تحقیق به دنبال ارزیابی سطح سواد مالی کارکنان استانداری گیلان می‌باشد تا ضمن اندازه‌گیری توان مالیه شخصی جامعه مورد مطالعه، تأثیر برخی متغیرها از جمله سن، میزان تحصیلات، جنسیت افراد و میزان درآمد آنان را بر میزان سطح سواد مالی آنها بررسی نماید.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سواد مالی

سواد مالی شامل مجموعه مهارت‌ها و ادراک‌های لازم جهت مواجهه با مسائل مالی روزمره و موجود در اقتصاد عمومی است که کاربرد صحیح مهارت‌های آن سبب دستیابی افراد به رفاه مالی بلندمدت می‌شود. امروزه با توجه به پیچیدگی بازارهای مالی، توسعه و گسترش دامنه فعالیت نهادها و مؤسسات مالی و تلاش بی‌وقفه آنها برای افزایش سهم بازار، لزوم تسلط به سواد مالی اهمیت بیشتری یافته است. کشور ما نیز از این مقوله مستثنی نبوده؛ زیرا بروز مسائلی نظیر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و توسعه خصوصی‌سازی و همچنین، بازار بورس که منجر به افزایش شمار مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه می‌شود، ایجاد بانک‌های خصوصی و نهادهای مالی جدید که با انواع روش‌های مختلف سعی در جذب مشتریان و مصرف منابع خود در پربازده‌ترین مشارکت‌ها و وام‌ها دارند و از سوی دیگر، آگاهی‌بخشی رسانه‌های عمومی در خصوص بازارهای سکه، ارز و ایجاد بورس‌های کالا و ...، سبب پیچیدگی بازارهای مالی کشور شده و کسب رفاه مالی در چنین شرایطی مستلزم درک مسائل مالی و تسلط کافی به مفاهیم مالیه

- شخصی است. تعاریف مختلفی از سواد مالی و مالیه شخصی در ادبیات موجود و مقالات منتشره وجود دارد که در این بخش به ارائه برخی از آنها پرداخته می‌شود.
- ✓ سواد مالی توسط بنیاد تحقیقات آموزش بریتانیا تحت عنوان توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در خصوص استفاده و مدیریت منابع پولی تعریف می‌شود (نکتور و همکاران^۱، ۱۹۹۲).
- ✓ سواد مالی، توانایی افراد در کسب اطلاعات، تجزیه و تحلیل و مدیریت وضعیت مالی شخصی‌شان است؛ به گونه‌ای که رفاه مالی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مفهوم نمایان‌گر توانایی جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شکلی است که متمایزکننده گزینه‌های متفاوت مالی باشد. همچنین، بحث در خصوص موضوعات و مسائل مالی و پولی و برنامه‌ریزی و پاسخگویی به رویدادهای مؤثر بر تصمیمات مالی روزمره که در اقتصاد عمومی رخ می‌دهد، نیز در قالب این تعریف مطرح می‌شود (لوساردی و والاس^۲، ۲۰۱۳).
- ✓ سواد مالی عبارت است از دانش اساسی که مردم به‌منظور دوام در جوامع مدرن نیاز دارند (کیم^۳، ۲۰۰۱).
- ✓ سواد مالی عبارت است از درک واژه‌ها و مفاهیم مالی کلیدی مورد نیاز برای عملکرد روزانه (روزمره) در جامعه (باون^۴، ۲۰۰۲).
- ✓ سواد مالی به‌عنوان توانایی اتخاذ تصمیمات عقلایی، آگاهانه و منطقی در ارتباط با مدیریت پول تعریف می‌گردد. اجزای آن شامل درک عمومی از بودجه‌ریزی، دانش نظری در خصوص خدمات مالی ارائه شده توسط مؤسسات مالی و انجام سرمایه‌گذاری‌های مسئولانه در جهت نیل به اهداف مالی مورد نظر است (ورگتینگتون^۵، ۲۰۰۶).
- ✓ سواد مالی، توانایی استفاده از دانش و مهارت‌های مالی لازم برای مدیریت مؤثر منابع مالی در راستای دستیابی به رفاه مالی مادام‌العمر است (ائتلاف جامپ استارت^۶، ۲۰۰۷).
- ✓ سواد مالی عبارت است از توانایی یک شخص در فهم و استفاده از مسائل مالی (سروان و کاستنر^۷، ۲۰۰۸).
- ✓ سواد مالی، به‌عنوان دانش خود ارزیابی مالی و یا دانشی هدفمند تعریف می‌شود (آزادی و همکاران، ۱۳۹۱).

1. Nector et al.

2. Lusardi & Wallace

3. Kim

4. Bowen

5. Worthington

6. Jump Start Coalition

7. Servon & Kaestner

✓ همچنین بانک کامان ولث^۱ استرالیا، سواد مالی را به شرح زیر تعریف می‌کند: «سواد مالی شامل توانایی بالانس حساب بانک، تهیه بودجه، پس‌انداز برای آینده و یادگیری راهبردهای لازم برای مدیریت بدهی است. یک فرد در صورتی باسواد مالی تلقی می‌شود که قادر به مدیریت مالیه شخصی خود در زندگی و جامعه در حال تغییر باشد که برای این امر باید ادراکات لازم را تحصیل نموده و مهارت‌های خود را در این زمینه توسعه داده و بتواند تأثیر تصمیمات مالی فرد بر روی خودش، دیگران و محیط را درک کند (بیرد^۲، ۲۰۰۸).

مفاهیم مرتبط با سواد مالی تحت عنوان مالیه شخصی نیز مطرح می‌گردد. مالیه شخصی تحت عنوان مطالعه منابع بااهمیت در دستیابی شخص و خانوار به موفقیت مالی، تعریف می‌گردد. در حوزه مالیه شخصی این موضوع که افراد چگونه منابع مالی خود را خرج، پس‌انداز، محافظت و سرمایه‌گذاری می‌نمایند، مطرح می‌گردد. عموماً مهم‌ترین موضوعات در مالیه شخصی شامل مدیریت مالیات، بودجه‌ریزی، مدیریت نقدینگی، استفاده از کارت‌های اعتباری، استقراض، مخارج بااهمیت، مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاری‌ها، طرح‌های بازنشستگی و طرح‌های خرید مسکن و املاک است (جرمن و فورگو^۳، ۲۰۰۰).

مالیه شخصی به کاربرد اصول مالی در تصمیم‌گیری‌های مالی (پولی) یک فرد یا خانوار گفته می‌شود که به راه‌هایی که افراد یا خانوارها منابع پولی را در طول زمان کسب، بودجه‌بندی، پس‌انداز و خرجی نمایند، اشاره دارد. بدیهی است هر کدام از این موارد به ریسک و رویدادهای آتی متفاوت منجر خواهد شد. در این پژوهش، سواد مالی از طریق سنجش ابعاد مختلف مالیه شخصی اندازه‌گیری می‌شود. اجزای مالیه شخصی مورد نظر در این پژوهش شامل کسب درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری - خرج و استقراض - بیمه و بازنشستگی است.

اجزای برنامه‌ریزی مالیه شخصی

برای تدوین یک برنامه‌ریزی مالیه شخصی خوب و اجرای موفق آن لازم است افراد با اجزای آن آشنا باشند. در ادامه، به شرح هر یک از اجزای برنامه‌ریزی مالیه شخصی پرداخته شده است.

کسب منابع مالی

افراد می‌توانند منابع مالی مورد نیاز خود را از محل کار (استخدام)، سرمایه‌گذاری یا تجارت خود به دست آورند. کسب منابع مالی اساس برنامه‌ریزی مالی است؛ زیرا این منابع در تمامی فعالیت‌های مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

1. Common Wealth
2. Bird
3. Garman & Fogue

برنامه‌ریزی

مصرف برنامه‌ریزی شده در کنار پس‌انداز، کلید رسیدن به اهداف و مصونیت مالی آتی است. تلاش برای پیش‌بینی هزینه‌ها و اخذ تصمیمات مالی مناسب به افزایش منابع مالی افراد کمک شایانی می‌نماید (کاپور و همکاران^۱، ۲۰۰۸). یکی از مهم‌ترین اجزای مالیه شخصی برنامه‌ریزی و داشتن اهداف مشخص در برنامه مورد نظر است. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته این موضوع به‌طور خاص مورد توجه قرار گرفته و افراد برای داشتن برنامه‌ریزی مدون، آموزش دیده و تشویق می‌شوند (وستون^۲، ۲۰۰۸). موضوعی که در حوزه برنامه‌ریزی مالی نگران‌کننده است، فقدان آگاهی جوانان از مفاهیم برنامه‌ریزی مالی و محصولات مالی است. تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که دانشجویان لیسانس و بالاتر در آمریکا، انگلستان و استرالیا واحدهای درسی مالی کمی را می‌گذرانند که این امر منجر به سطوح بالای بدهی و ریسک، افزایش ورشکستگی و عدم پیگیری طرح‌های بازنشستگی توسط جوانان شده است.

پس‌انداز

امنیت مالی بلندمدت مستلزم داشتن یک برنامه مدون پس‌انداز برای مواقع ضروری، پرداخت صورت‌حساب‌های غیرمنتظره، جایگزینی اقلام مهم، خرید کالاهای ضروری، تحصیلات و... است. زمانی که افراد یک برنامه اساسی برای پس‌انداز را شروع می‌کنند، می‌توانند وجوه اضافی را در محلی پس‌انداز نمایند که رشد داشته باشد (معین‌الدین، ۱۳۹۰).

استقراض

داشتن کنترل بر روی خریدهای نسیه با اهداف مالی در ارتباط است. استفاده بیش از حد یا کمتر از حد معمول از شرایط اعتباری ممکن است، منجر به وضعیتی شود که بدهی افراد از منابع مالی در دسترس آنها برای پرداخت بدهی بیشتر شود. افرادی که اظهار ورشکستگی می‌نمایند، قادر هستند با مصرف عاقلانه یا استقراض منطقی و به‌موقع از این ضایعه جلوگیری نمایند (کاپور و همکاران، ۲۰۰۸).

خرج کردن

باید به خاطر داشته باشید که برنامه‌ریزی مالی به‌منظور جلوگیری از زندگی لذت‌بخش نیست؛ بلکه به شما برای دستیابی به آنچه نیاز دارید، کمک می‌کند. در اغلب موارد، افراد بدون در نظر گرفتن پیامدهای مالی خرید می‌کنند. خریدهای بی‌اختیار و بدون ملاحظه افراد، آنها را به دردسرهای مالی می‌اندازد. برای رفع این معضل لازم است، افراد مخارج زندگی و سایر نیازهای مالی خود را در یک برنامه

1. Kapoor et al.
2. Weston

مالی به صورت جزئی نگهداری کنند. بهترین راه برای رسیدن به امنیت مالی این است که میزان مصرف از میزان درآمد کمتر باشد.

مدیریت ریسک (بیمه)

پوشش بیمه‌ای مناسب یکی دیگر از اجزای برنامه‌ریزی مالیه شخصی است. معمولاً انواع مشخصی از پوشش بیمه‌ای در برنامه‌ریزی مالی در نظر گرفته می‌شود؛ به طور مثال، تعداد افرادی که در سن ۵۰ سال به بالا دچار از کارافتادگی یا بیماری می‌شوند، بیشتر از تعداد افرادی است که در این سن فوت می‌کنند؛ پس این افراد به بیمه از کارافتادگی بیشتر از بیمه عمر نیاز دارند. نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که در حال حاضر بیمه عمر بیش از بیمه کارافتادگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ضمن، بسیاری از خانوارها از پوشش‌های بیمه‌ای اضافی و ناکارآمد استفاده می‌کنند (کاپور و همکاران، ۲۰۰۸).

سرمایه‌گذاری

اگرچه انواع زیادی از ابزارهای سرمایه‌گذاری در دسترس است؛ اما افراد برای دو هدف مهم سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنهایی که به درآمد جاری علاقمند هستند، سرمایه‌گذاری با سود یا بهره منظم را انتخاب می‌کنند. برعکس، سرمایه‌گذارانی که خواهان رشد بلندمدت هستند، در سهام، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، املاک و سایر سرمایه‌گذاری‌هایی که دارای توانایی افزایش ارزش آتی هستند، سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

بازنشستگی

اغلب افراد امروز مبالغی را برای بازنشستگی در آینده پرداخت می‌نمایند. مهم‌ترین علت اهمیت بازنشستگی این است که افراد فقط ۱۵، ۲۰ یا حداکثر ۳۰ سال از عمر خود را صرف فعالیت کاری نموده و ممکن است، سال‌های پس از بازنشستگی حتی طولانی‌تر از مدت فعالیت آنها باشد و این امر ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای بازنشستگی را بیش از پیش نشان می‌دهد. در ضمن، این امکان وجود دارد که برخی از افراد در استخدام مؤسسه یا شرکتی نبوده و به صورت خویش‌فرما فعالیت نمایند. در خصوص این افراد، بخش اعظم هزینه‌های طرح بازنشستگی بر عهده خود فرد بوده و لازم است برنامه‌ریزی لازم و دقیق برای انتخاب طرح بازنشستگی مناسب انجام شود (معین‌الدین، ۱۳۹۰).

پیشینه تجربی پژوهش

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده در حوزه سواد مالی مطالعاتی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

دیانتی‌دیلمی و حنیفه‌زاده (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای به بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن پرداختند. با توجه به اهمیت بالای سواد مالی برای جوامع، در تحقیق حاضر وضعیت سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن از طریق توزیع پرسشنامه بین ۴۱۰ خانوار در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که وضعیت سواد مالی این افراد در حد مطلوبی نیست و نیازمند و علاقه‌مند به بهره‌مندی از راهنمایی متخصصانی با عنوان "مشاور مالی خانواده" هستند. در ضمن، علاوه بر بررسی وضعیت سواد مالی، به عواملی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت (هر یک به‌عنوان یک فرضیه مستقل) پرداخته شد و روابط بین آنها مورد بررسی قرار گرفت که این بخش نیز وجود ارتباط بین این عوامل را با سواد مالی تأیید نمود؛ از این رو، آموزش و اطلاع‌رسانی به‌عنوان راهکارهای اولیه توسط نهادهای دولتی و یا مؤسسات علمی و همچنین جامعه حسابداری پیشنهاد گردید. معین‌الدین (۱۳۹۰)، در پژوهشی به ارزیابی و ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی (مالیه شخصی) دانشجویان ایرانی پرداخت. در بخش اول این پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی فازی و به کمک جمعی از استادان برتر کشور در حوزه مالی و حسابداری، پرسشنامه استاندارد سنجش سواد مالی تهیه و به‌عنوان الگوی بومی و سازگار با محیط تجاری و اقتصادی ایران ارائه شد. در بخش دوم پژوهش، نمونه مورد نظر مشتمل بر ۱۴۹۶ دانشجو از ۵ استان کشور با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و طبقه‌بندی شده انتخاب و پرسشنامه استاندارد تهیه شده در مرحله اول بین نمونه مزبور توزیع گردید و داده‌های گردآوری شده به کمک تکنیک‌های مختلف آمار استنباطی از جمله مقایسه میانگین تک نمونه‌ای و دو نمونه‌ای مستقل، آنالیز واریانس و رگرسیون چندمتغیره و لجستیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نتایج مختلفی حاصل شد که از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به عدم کفایت سواد مالی دانشجویان ایرانی، تأثیر برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از جمله سن، وضعیت تأهل و...، و همچنین مقطع و دانشکده تحصیلی دانشجویان بر سطح سواد مالی آنها اشاره نمود.

پنگ^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود تحت عنوان «ارتقاء سواد مالی، مزایای برنامه آموزشی» تأثیر یک روش آموزش تئوری محور مبتنی بر تئوری تغییر در ارتقاء آموزش سواد مالی دانش‌آموزان دیپلم کشور هنگ‌کنگ را مورد مطالعه قرار داد. ۱۲ معلم در دو گروه ۶ نفره تقسیم شدند. ۶ نفر از روش آموزشی مبتنی بر تئوری تغییر در آموزش سواد مالی بهره بردند (گروه تجربی) و ۶ نفر هم از روش آموزش معمول استفاده کردند (گروه گواه). در مجموع از بین کلاس‌های مورد نظر، ۱۹۳ دانش‌آموز دیپلم انتخاب و به دو گروه تجربی و گواه تقسیم شدند. قبل و پس از اجرای برنامه‌های آموزشی، از افراد نمونه ۴

مرحله آزمون سواد مالی به عمل آمد، یک پیش‌آزمون و سه پس از آزمون، بعد از اتمام کلاس، ۶ هفته بعد و ۶ ماه بعد از اتمام کلاس. نتایج نشان داد، دانش‌آموزان گروه تجربی از گروه مقابل پیش افتاده و فاصله خود را با آن‌ها در همه پس‌آزمون‌ها حفظ نمودند. در پایان وی پیشنهاد می‌کند که برای ارتقاء آموزش سواد مالی و کمک به دوام آن در طول زمان از روش آموزشی مبتنی بر تئوری تغییر استفاده گردد. لوزاردی و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهش خود به ارزیابی سواد مالی جوانان در آمریکا پرداختند. نمونه آنها متشکل از ۷۴۱۷ نفر و ابزار سنجش نیز پرسشنامه بود که علاوه بر ارزیابی سواد مالی پاسخ‌دهندگان برخی از ویژگی‌های جامعه‌شناختی آنان نظیر سن، جنسیت، نژاد، سطح تحصیلات، ویژگی‌های پیش‌زمینه‌ای فامیلی مشارکت‌کنندگان در پیمایش نیز از طریق آن گردآوری می‌شد. نتایج تحقیق نشان داد که به‌طور کلی، سطح سواد مالی جوانان پایین است و تقریباً تنها یک سوم آنها دارای دانش پایه‌ای درباره نرخ‌های بهره، تورم و متنوع‌سازی خطر هستند. همچنین سواد مالی با برخی از ویژگی‌های جامعه‌شناختی و پختگی مالی خانوادگی افراد رابطه دارد؛ به‌طوری که درک و شناخت مردان فارغ‌التحصیل از دانشگاه که والدین آنها دارای سهام و پس‌انداز بازنشستگی بودند، از متنوع‌سازی خطر تقریباً ۴۵ درصد بیشتر از زنان با سواد مالی کمتر از دبیرستان با والدین فقیر بود.

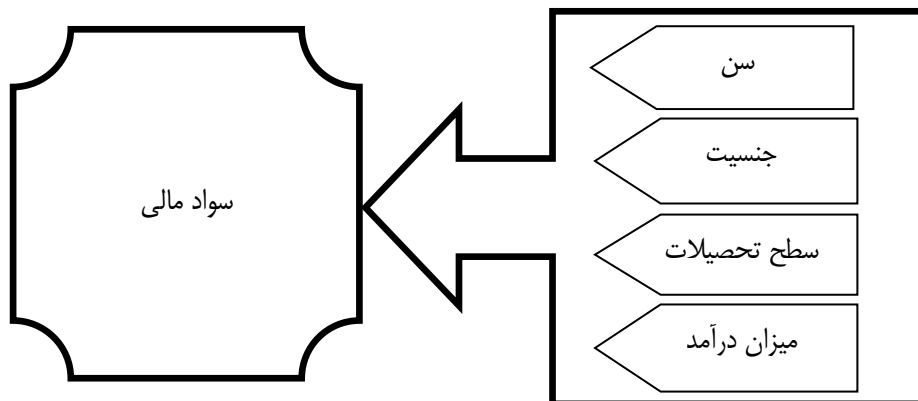
مانتیکون^۲ (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی رابطه میزان ثروت (توانایی مالی) و سواد مالی در ایتالیا و همچنین سنجش سواد مالی ایتالیایی‌ها و مقایسه آن با سایر کشورهای اروپایی و آمریکایی پرداخت. نمونه پژوهش وی شامل ۳۹۹۷ خانواری بود که در سال گذشته صاحب فرزند شده بودند. متغیرهای مستقل تحقیق وی شامل دریافت خانه از طریق هدیه یا ارث، سطح درآمد خانوار و ویژگی‌های دموگرافیک (جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، تحصیلات و اشتغال والدین) بود و متغیر وابسته پژوهش نیز امتیاز سواد مالی پاسخ‌دهندگان بود که با استفاده از یک پرسشنامه که دارای ۶ سؤال بود، اندازه‌گیری شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سواد مالی ایتالیایی‌ها در مقایسه با آمریکایی‌ها و سایر کشورهای اروپایی به مراتب پایین‌تر بود. همچنین ایتالیایی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها کمتر مایل به سرمایه‌گذاری در بورس بوده و بیشتر تمایل به پس‌انداز در بانک‌ها داشتند. سایر نتایج نشان داد که توانایی مالی بیوه زن‌های سرپرست خانوار در مقایسه با زنان متأهل کمتر بود. سواد مالی افراد باسواد نیز بیش از افراد کم‌سواد بود. کارگران و کارمندان نسبت به صاحبان مشاغل آزاد ثروت کمتری داشتند. مدیران و کارآفرینان نیز به‌طور قابل توجهی از توانایی مالی بیشتری برخوردار بودند. افراد با تحصیلات بیشتر، سواد مالی بیشتری دارند و اثر تحصیلات و اشتغال والدین بر سواد مالی بی‌معنی بود.

1. Lusardi et al.
2. Monticone

در نهایت کیندل^۱ (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان «ادراکات دانشجویان از سواد مالی» تلاش کرد تا میزان آگاهی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مددکاری اجتماعی را از ارتباط سواد مالی با مشکلاتی که در عمل با آن مواجه هستند را اندازه‌گیری کند. ابزار سنجش در این پژوهش یک پرسشنامه ۱۵ سؤالی بود که برای درک استنباط دانشجویان طراحی شده بود. جامعه مورد نظر در این پژوهش، تمام دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مددکاری اجتماعی در ایالات متحده در طول سال آموزشی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بودند که از این میان، تعداد ۱۵۰۶ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. متغیرهای دموگرافیک مورد نظر جنسیت، وضعیت ثبت‌نام، سن، مشخصه نژادی و تجربه اجرایی مددکاری اجتماعی و خدمات عمومی بود. نتایج پژوهش نشان داد که پاسخگویان در مجموع اثر سواد مالی بر ۱۱ مشکل از مجموع ۱۵ مشکل مطرح‌شده در پرسشنامه را متوسط و اثر آن بر دو مشکل را کم ارزیابی نمودند؛ ولی آنها اثر سواد مالی بر دو مشکل از دست دادن کار و فقر را زیاد تشخیص دادند. همچنین، به جزء متغیر سن، هیچ‌یک از متغیرهای دموگرافیک با پاسخ مشارکت‌کنندگان ارتباط نداشت.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب مورد استفاده در تحقیق حاضر مطابق شکل ۱ است که در آن روابط متغیرها نشان داده می‌شوند. بر اساس شکل ۱ و با توجه به اهداف پژوهش سعی بر آن است تا در ابتدا سواد مالی کارکنان استانداری گیلان مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه با سواد مالی آنها را بررسی کنیم.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

۱. کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه از نظر مالی باسواد هستند.
۲. بین ویژگی‌های دموگرافیک (جامعه‌شناختی) کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه و سطح سواد مالی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین کارکنان معاونت‌های مختلف استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه از نظر میزان سواد مالی اختلاف وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش کار بدین صورت بوده است که ابتدا سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی کارکنان با سواد مالی آنها بررسی شد و میزان سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه با توجه به اشتغال آنان در معاونت‌های مختلف مطالعه گردید. جامعه‌ی آماری این پژوهش مشتمل بر تمامی کارکنان رسمی و پیمانی استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه به تعداد ۸۱۹ نفر بوده است که با استفاده از جدول مورگان، ۲۶۵ نفر به‌عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش روش جمع‌آوری داده‌ها، روش میدانی و ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد سنجش سواد مالی که مشتمل بر ۲۵ سوال ۴ گزینه‌ای و توسط معین‌الدین (۱۳۹۰) تهیه و بومی‌سازی می‌باشد، بوده است. روایی پرسشنامه به کمک روش روایی محتوا مورد سنجش قرار گرفت. برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. آلفای کرونباخ به دست آمده برابر با ۰/۸۷۶ بود. با توجه به اینکه آلفای محاسبه شده بالاتر از ۰/۷۰ است؛ بنابراین پرسشنامه پژوهش دارای پایایی مناسب است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS 20 استفاده شده است. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش با مقیاس کیفی از آزمون نسبت موفقیت مورد ادعا استفاده گردید که به فرضیه‌های مزبور، فرضیه‌های نسبت‌پذیر گفته می‌شود. همچنین برای بررسی وجود تفاوت بین میانگین دو جامعه مستقل و بررسی صحت و سقم آن از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شد برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه لازم است ابتدا بررسی کنیم آیا واریانس دو جامعه برابرند یا خیر؛ به عبارت دیگر آزمون تساوی واریانس‌ها مقدم بر آزمون تساوی میانگین‌ها است. جهت آزمون تساوی واریانس‌ها (آزمون Leven) از آماره F یا فیشر استفاده شد. آماره t نیز جهت آزمون تساوی میانگین دو جامعه در دو حالت تساوی و عدم تساوی واریانس دو جامعه موردنظر استفاده گردید. همچنین، در این پژوهش برای بررسی وجود تفاوت بین میانگین امتیاز سواد مالی برخی از گروه‌های

مختلف دموگرافیکی (جمعیتی) که وضعیت دوتایی داشتند، نظیر مرد و زن و ... از این تکنیک آماری استفاده شد. در این پژوهش، از روش رگرسیون گام به گام برای گزینش متغیرهای پیش‌بین استفاده شده است. هدف از استفاده رگرسیون چندمتغیره در این پژوهش سنجش رابطه همزمان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش (امتیاز سواد مالی کارکنان) است. هم‌چنین، در این پژوهش با تفکیک کارکنان استانداری گیلان به دو گروه کم‌سواد مالی و باسواد مالی (باسواد مالی عدد یک و کم‌سواد عدد صفر) و با استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک تلاش گردید که مدلی جهت تفکیک کارکنان به دو گروه باسواد مالی و کم‌سواد مالی ارائه شود.

یافته‌های پژوهش

در این بخش برای تحلیل داده‌ها از فنون آمار توصیفی (تنظیم جداول توصیفی، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون نرمال بودن داده‌ها، تحلیل همبستگی و رگرسیون) استفاده گردید. جدول ۱، مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	سن	تحصیلات	واحد سازمانی	میزان درآمد
مرد	۱۷۳			
زن	۹۲			
		۲۰-۳۰		۳۷
		۳۱-۴۰		۱۱۹
		۴۱-۵۰		۷۸
		۵۱ و بالاتر		۳۱
دیپلم و فوق دیپلم		۳۶		
لیسانس		۱۱۹		
فوق لیسانس		۹۶		
دکتری		۱۴		
معاونت سیاسی، امنیتی، اجتماعی			۶۷	
معاونت توسعه مدیریت و منابع			۶۶	
معاونت هماهنگی امور عمرانی			۶۶	

ادامه جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	سن	تحصیلات	واحد سازمانی	میزان درآمد
معاونت هماهنگی امور اقتصادی				
			۶۶	
	بین ۲ تا ۳ میلیون			۲۷
	بین ۳ تا ۴ میلیون			۱۲۶
	بین ۴ تا ۵ میلیون			۸۳
	بالای ۵ میلیون			۲۹

جدول ۲، نیز بیانگر توصیف متغیر سواد مالی است.

جدول ۲. نمره متغیر سواد مالی

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۲۶۵	۱۲	۱۰۰	۶۱/۰۷	۱۹/۷۳	۵۲/۱۶

آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول

✓ کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه از نظر مالی باسواد هستند.

جدول ۳. آزمون تی-تک‌نمونه‌ای و میانگین جامعه آمار نمونه‌ای

متغیر	مقدار آزمون = ۵۰						
	تفاوت فاصله اطمینان %۹۵	تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	میانگین	
سواد مالی	۱۲/۹۵	۸/۵۵	۰/۰۰۰	۲۶۴	۷/۹۵	۶۰/۱۴	

مطابق جدول ۳، مشاهده می‌شود که میانگین کسب‌شده برای متغیر سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه برابر ۶۰/۱۴ است که بالاتر از نمره متوسط موردنظر (۵۰) است و نشان می‌دهد که کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه تا حدودی باسواد مالی هستند. در این بررسی، پاسخ‌دهندگان به دو گروه کم‌سواد مالی و باسواد مالی تفکیک شدند که دارندگان امتیاز بیشتر از ۵۰ به‌عنوان باسواد مالی و دارندگان امتیاز کمتر از ۵۰ به‌عنوان کم‌سواد مالی تعریف شدند. براین‌اساس،

کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه از لحاظ مالی باسواد تلقی می‌شوند. همچنین سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است؛ لذا امتیاز کسب‌شده از نظر آماری معنادار است.

فرضیه دوم

✓ بین ویژگی‌های دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه و سطح سواد مالی آنها رابطه معناداری وجود دارد.

(۱) جنسیت

جدول ۴. میانگین سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه بر اساس جنسیت

میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	تعداد
۱/۴۷	۱۹/۲۳	۶۲/۷۹	۱۷۳
۱/۹۲	۱۳/۸۷	۵۳/۴۱	۹۲

جدول ۵. رابطه بین جنسیت و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه

آزمون برابری واریانس		آزمون برابری t							
		F	معناداری	ضریب t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	تفاوت فاصله اطمینان ۹۵٪	
								پایین	بالا
امتیاز	فرض واریانس برابر	۵/۴۸	۰/۰۱	۲/۴۷	۲۶۴	۰/۰۱	۵/۵۸	۱/۵۰	۱۳/۲۴
	فرض عدم برابری واریانس			۲/۸۹		۰/۰۱	۵/۵۸	۱/۸۵	۱۲/۴۱

با توجه به جدول ۴، امتیاز کسب‌شده سواد مالی در مردان بیشتر از زنان است و سطح معناداری نیز نشان می‌دهد که اختلاف میانگین به دست آمده، معنادار است؛ لذا مردان از زنان از نظر سواد مالی باسوادتر هستند. براین اساس، ضمن تأیید فرضیه تحت این عنوان که بین جنسیت و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه رابطه معناداری وجود دارد، مشخص گردید که در این رابطه مردان از زنان از لحاظ داشتن سواد مالی باسوادتر هستند.

(۲) میزان درآمد

✓ بین میزان درآمد و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان درآمد تأثیری بر سواد مالی افراد ندارد. براین اساس می‌توان گفت که از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این موضوع که کارکنان چه میزان درآمد داشته باشند، رابطه‌ای با میزان سواد مالی آنان ندارد.

جدول ۶. رابطه بین میزان درآمد و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه

میزان درآمد	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین	F	معناداری
بین گروه	۶۲۵/۷۴	۳	۲۴۹/۱۱	۰/۷۲	۰/۵۲
درون گروه	۶۷۵۵۲/۱۰	۲۶۱	۳۳۱/۴۵		
جمع	۶۵۲۰۱/۲۹	۲۶۴			

(۳) تحصیلات

✓ بین میزان تحصیلات و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه جدول ۷، می‌توان بیان کرد که میزان تحصیلات کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه تأثیری بر سواد مالی افراد نداشته است. بر این اساس می‌توان گفت که از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این موضوع که کارکنان چه میزان تحصیلات و دارای چه مدرکی باشند، رابطه‌ای با میزان سواد مالی آنان ندارد.

جدول ۷. رابطه بین میزان تحصیلات و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه

میزان درآمد	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین	F	معناداری
بین گروه	۵۶۳/۱۲	۳	۱۸۷/۷۰	۰/۵۸	۰/۶۲
درون گروه	۶۴۱۶۶/۱۶	۲۶۱	۳۱۹/۲۳		
جمع	۶۷۷۲۹/۲۸	۲۶۴			

(۴) سن

✓ بین سن و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه رابطه وجود دارد.

جدول ۸، نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که سن کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه بر میزان سواد مالی تأثیر دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این موضوع که کارکنان دارای چه سطح سنی باشند با میزان سواد مالی آنان رابطه دارد.

جدول ۸. رابطه بین سن و سواد مالی کارکنان استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه

معناداری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	میزان درآمد
۰/۰۲	۳/۰۶	۹۴۶/۸۴	۳	۲۸۴۰/۵۹	بین گروه
		۳۰۸/۸۰	۲۶۱	۶۱۷۶۱/۷۶	درون گروه
			۲۶۴	۶۴۶۰۲/۳۵	جمع

همچنین، جدول ۹ و آزمون دانکن بیانگر آن است که افراد بین ۴۱ تا ۵۰ سال دارای سواد مالی بیشتری هستند.

جدول ۹. آزمون دانکن مربوط به متغیر سن کارکنان

سن	تعداد	زیر مجموعه آلفا = ۰/۰۵	
		۱	۲
۲۰ تا ۳۰ سال	۳۷	۳۰/۰۰۰	
۳۱ تا ۴۰ سال	۱۱۹		۵۹/۷۷
۴۱ تا ۵۰ سال	۷۸		۶۲/۹۰
۵۰ سال و بالاتر	۳۱		۵۵/۳۵
معناداری		۱/۰۰۰	۰/۴۴

فرضیه سوم

✓ بین کارکنان معاونت‌های مختلف استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه از نظر میزان سواد مالی اختلاف وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری به دست آمده در جدول ۱۰، که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که سواد مالی در میان کارکنان معاونت‌های مختلف استانداری گیلان و فرمانداری‌های تابعه متفاوت است. همچنین، جدول ۱۱ نشان می‌دهد که بیش‌ترین سواد مالی را کارکنان بخش اداری-مالی دارند.

جدول ۱۰. رابطه بین محل اشتغال به کار و سواد مالی کارکنان

معناداری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	میزان درآمد
۰/۰۰۰	۳/۰۶	۴۹۱۱/۲۵	۳	۱۶۸۵۱/۲۲	بین گروه
		۲۵۳/۸۷	۲۶۱	۳۷۸۷۷/۳۶	درون گروه
			۲۶۴	۴۱۲۲۹/۲۸	جمع

جدول شماره ۱۱. آزمون دانکن مربوط به رتبه‌بندی کارکنان معاونت‌ها از نظر سواد مالی

معاونت	تعداد	زیر مجموعه آلفا = ۰,۰۵		
		۱	۲	۳
سیاسی، امنیتی، اجتماعی	۶۷	۳۶۱۵/۱۲		
توسعه مدیریت و منابع	۶۶		۱۲۰۹/۶۵	
هماهنگی امور عمرانی	۶۶		۸۴۲۶/۱۲	
هماهنگی امور اقتصادی	۶۶			۳۷۵۳/۵۱
معناداری		۰/۰۹	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در خصوص فرضیه اصلی می‌توان گفت از آنجا که مقدار سطح معناداری برابر ۰/۰۰۰ بوده و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که کارکنان استانداری گیلان از نظر مالی باسواد هستند. براین اساس، فرضیه اصلی پژوهش تأیید شد. لازم به ذکر است که در خصوص کفایت سواد مالی کارکنان استانداری گیلان از دو روش مختلف آماری مقایسه میانگین تک‌نمونه‌ای و آزمون نسبت استفاده گردید که در اجرای این آزمون‌ها نمره کافی برای سواد مالی کارکنان استانداری گیلان حداقل مقدار ۵۰ در نظر گرفته شد. این در حالی است که میانگین امتیاز سواد مالی کارکنان برابر ۵۹/۲۳ به دست آمد. در مجموع، نتایج حاصل از کاربرد هر دو روش آماری حکایت از کفایت سواد مالی کارکنان استانداری گیلان داشت. در ادامه، فرضیه‌های درباره تأثیر متغیرهای دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) منتخب بر سطح سواد مالی کارکنان استانداری گیلان تدوین و با استفاده از آزمون‌های آماری مقایسه میانگین دو نمونه مستقل و آزمون ANOVA مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص فرضیه دوم می‌توان نتایج زیر را تشریح نمود: جنسیت کارکنان استانداری گیلان با سطح سواد مالی آنها رابطه معناداری دارد؛ به‌گونه‌ای که مردها در آزمون سواد مالی امتیاز بالاتری نسبت به زن‌ها کسب کردند. این نتیجه با نتایج

تحقیقات لوزاردی و همکاران (۲۰۱۰) و پنگ (۲۰۱۰)، همراستا می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که با افزایش سن کارکنان امتیاز سواد مالی آنها افزایش می‌یابد. این نتیجه حاکی از این است که کسب تجربه در زندگی موجب ارتقاء سواد مالی می‌شود. در واقع، به لحاظ اینکه در حال حاضر مفاهیم سواد مالی در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی آموزش داده نمی‌شود، می‌توان این‌گونه گفت که کارکنان با گذشت زمان و در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی به احتمال زیاد با آزمون و خطا مسائل مالی جدید را فرامی‌گیرند و چه بسا این فراگیری تاوان سنگینی برای آنها دربرداشته باشد. به هر حال می‌توان گفت با افزایش سن کارکنان میزان سواد مالی آنان نیز دستخوش تغییر شده و یادگیری آنان در این زمینه افزایش می‌یابد. نکته جالب توجه دیگر در نتایج به دست آمده از این بخش آن است که میزان درآمد کارکنان استانداری گیلان با سطح سواد مالی آنان ارتباطی ندارد؛ درحالی‌که شاید در ابتدا این‌گونه به نظر برسد که سطح درآمد با میزان سواد مالی در ارتباط است؛ اما مشاهدات این مطالعه بیانگر آن بود که بین میزان درآمد کارکنان استانداری گیلان با سطح سواد مالی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. درنهایت مشخص گردید که میزان تحصیلات نیز رابطه معناداری با سواد مالی کارکنان استانداری گیلان ندارد؛ بنابراین، به‌عنوان یک نتیجه کلی می‌توان اذعان داشت که از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی متغیرهای جنسیت و سن در میان کارکنان استانداری گیلان با سطح سواد مالی آنها ارتباط معناداری داشته است و متغیرهای میزان درآمد و تحصیلات فاقد وجود چنین رابطه‌ای بوده‌اند.

فرضیه سوم نیز درباره تأثیر حوزه اشتغالی کارکنان استانداری گیلان (معاونت‌ها) بر سطح سواد مالی آنها طراحی و با استفاده از آزمون‌های ANOVA و Duncan مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج این بخش از پژوهش نیز حکایت از وجود رابطه بین این متغیر و سطح سواد مالی کارکنان داشت؛ به‌طوری‌که میزان سواد مالی در میان کارکنان معاونت‌های مختلف استانداری گیلان متفاوت بود. در مجموع، کارکنانی که در معاونت توسعه مدیریت و منابع - اداره کل اداری و مالی - مشغول به کار بودند، دارای بیشترین امتیاز سواد مالی نسبت به سایر کارکنان بودند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که آموزه‌های مالی و اقتصادی که بخشی از کار روزمره معاونت توسعه مدیریت و منابع - اداره کل اداری و مالی - هستند و کارکنان این معاونت با آن سروکار دارند، به‌طور خودکار سبب ارتقاء سواد مالی آنان در این معاونت شده است. این موضوع می‌تواند مؤید تأثیر آموزش در ارتقاء سواد مالی افراد باشد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

✓ نظر به تأیید کفایت حداقل سواد مالی در کل جامعه مورد آزمون و با توجه به نقش بی‌بدیل مهارت‌های مالی در زندگی فردی و اجتماعی افراد که در پژوهش‌های متعدد به تأیید رسیده، پیشنهاد می‌گردد که راهکارهای ارتقاء سواد مالی در سطح جامعه در دستور کار محافل و

سازمان‌های متولی آموزش عالی در کشور قرار گیرد. هر چند در این پژوهش امتیاز بالاتر از ۵۰ به‌عنوان باسواد مالی در نظر گرفت شد؛ ولی با توجه به اینکه امتیاز ۵۰ تا ۶۰ حداقل امتیاز قابل قبول است، ضروری است تا برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء این نوع از مهارت‌ها در نظر گرفته شود. ✓ یکی از نتایج آزمون فرضیه دوم حکایت از ضعف بیشتر زنان در حوزه سواد مالی نسبت به مردان داشت. با توجه به حضور روزافزون زنان در عرصه‌های اجتماعی و نقش آنها در اتخاذ تصمیمات خانواده‌ها و شکل‌گیری اجتماعی فرزندان به‌عنوان آینده‌سازان جامعه توصیه می‌شود که این قشر از اجتماع تلاش بیشتری برای افزایش دانسته‌های مالی خود داشته باشند و برنامه‌ریزان آموزشی نیز در برنامه‌ریزی‌های خود زنان را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

✓ متغیر سن از جمله متغیرهایی بود که با سطح سواد مالی افراد رابطه داشت، به‌نحوی که افراد با سنین پایین‌تر دارای سواد مالی کمتری بودند. با توجه به اینکه در محیط‌های آموزشی ما از جمله مدارس و دانشگاه‌ها آموزه‌های مالی مورد توجه نیست؛ براین‌اساس می‌توان گفت که اغلب چرخه کم‌سوادی مالی از مدارس آغاز می‌شود و چه بسا بسیاری از دانش‌آموزان پس از اتمام دوره دبیرستان جذب بازار کار شده و وارد زندگی مشترک شوند. بالطبع کسب مهارت‌های مالی در اثر تجربه و آن هم بدون آموزش می‌تواند تاوان سنگینی برای افراد جامعه داشته باشد. به همین لحاظ به متولیان آموزش و پرورش نیز توصیه می‌شود که از تجربه کشورهای توسعه‌یافته در خصوص آموزش سواد مالی استفاده نموده و در پی استقرار الگوی ایرانی مناسب مالیه شخصی در دانشگاه‌ها و حتی مقاطع پایین‌تر باشند.

اصولاً هر پروژه تحقیقاتی با توجه به اهداف و رسالتی که دارد در یک چارچوب مشخص انجام می‌گیرد و در پایان به فهرستی از سؤالات که در ابتدا مطرح بوده‌اند، پاسخ می‌دهد؛ اما یک پروژه تحقیقاتی در بهترین شرایط نیز نمی‌تواند به همه سؤالات موجود یا پرسش‌هایی که در جریان تحقیق ایجاد می‌شوند، پاسخ بگوید. همیشه در پایان تحقیقات سؤالات جدیدی مطرح می‌شود که به‌عنوان موضوعات جدید به محققان دیگر پیشنهاد می‌شود؛ ازاین‌رو در این پژوهش نیز با توجه به نتایج به دست آمده و خلاءهای تحقیقاتی موجود، پیشنهادات زیر به سایر پژوهشگران ارائه می‌گردد:

❖ یکی از محدودیت‌های این پژوهش، وجود ساختار سازمانی با تمرکز، رسمیت و پیچیدگی بالا در سازمان‌ها است که عملاً این شرایط می‌تواند بر نتایج این پژوهش اثرگذاری نامطلوبی گذاشته باشد؛ به‌گونه‌ای که کارکنان در اغلب موارد گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که دارای حداقل ریسک باشد.

❖ پیشنهاد می‌شود در آینده تعدادی از پژوهش‌های دانشگاهی به سنجش سواد مالی در بین اقشار مختلف اجتماع از جمله کارگران، کارمندان، کارفرمایان، عامه مردم، دانش‌آموزان و... اختصاص یابد و

- بدین ترتیب گامی هدفمند برای ارزیابی و برنامه‌ریزی جهت ارتقاء سطح سواد مالی در میان آحاد جامعه برداشته شود.
- ❖ اولویت‌بندی سازمان‌ها از نظر میزان باسوادی مالی کارکنان آنها نیز می‌تواند مبنای خوبی برای مطالعات آینده باشد.
 - ❖ پیشنهاد می‌شود که ارتباط سایر متغیرهای مختلف حوزه جامعه‌شناسی و روانشناسی مانند طلاق، بزهکاری و... با سواد مالی مورد مطالعه قرار گیرد؛ به‌طور مثال، می‌توان این فرضیه‌ها که سواد مالی با طلاق، بزهکاری اجتماعی، اعتیاد به مواد مخدر و... رابطه دارد را در چنین پژوهش‌هایی مورد بررسی قرار داد.
 - ❖ پیشنهاد می‌شود پژوهشی به‌منظور تهیه پرسشنامه استاندارد جهت سنجش سواد مالی اسلامی انجام و سطح سواد مالی اقشار مختلف با توجه به تعالیم اسلامی و اقتصاد اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و سنجیده شود.

منابع

- آزادی، رضا؛ زنجیردار، مجید؛ فرشیدپور، علیرضا (۱۳۹۱). سواد مالی و عوامل تأثیرگذار بر آن و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی بازنشستگی، اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری و مدیریت، تنکابن، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شفق.
- دیانتی‌دیلمی، رضایی؛ حنیفه‌زاده، محمد (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی خانواده‌های تهرانی و عوامل مرتبط با آن. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، ۸(۲۶)، ۱۱۵-۱۳۹.
- معین‌الدین، محمود (۱۳۹۰). *ارزیابی و ارائه الگوی مناسب برای سنجش سواد مالی (مالیه شخصی) دانشجویان ایرانی*. پایان‌نامه دکتری تخصصی رشته حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

Bird, S. (2008). *Financial literacy among university students: an Australian case study*. A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the award of the degree Master of Finance, University of Wollongong.

Bowen, C. F. (2002). Financial Knowledge of Teens and Their Parents. *Financial Counseling and Planning*, 13(2), 93-102.

Garman, E.T.; Fogue, R.E. (2000). *Personal Finance*. Boston: Honunhton Mifflin, 6th Edition.

Jump Start Coalition. (2007). *National Standard in K-12 Personal Financial Education*. Available at: [http:// www.jumpstart.org/guidehtml](http://www.jumpstart.org/guidehtml).

Kapoor, J.R.; Dlabay, L.R.; & Hughes, R.J. (2008). *Personal Finance*. Mc Graw-Hill, 9th Edition.

Kim, J. (2001). Financial Knowledge and Subjective and Objective Financial Well-being. *Consumer Interests Annual*, 47, 1-3.

Kindel, P.A. (2010). Student Perceptions of Financial Literacy: Relevance to Practice. *Journal of Social Service Research*, 36(5), 470-481.

Lusardi, A.; Mitchell, O.S.; & Curto, V. (2010). Financial literacy among the young. *The Journal of Consumer Affairs*. 44(2), 358-380.

Monticone, C. (2010). How much Does Wealth Matter in the Acquisition of financial Literacy?. *The Journal of Consumer Affairs*, 44(2), 403- 422.

Nector, M; Stoney, S.; & Stradling, R. (1992). *Financial literacy: A Discussion of concepts and competencies Financial Literacy and opportunities for its Introduction into young people Learning*. Report Prepared for the National Westminster Bank, National Foundation for Education Research, London.

Pang, M. F. (2010). Boosting financial literacy: Benefits from learning study. *Inster Sci*, 38, 659-677.

Sabri, M.F.; Cook, C.C.; & Gudmunson, C.G. (2012). Financial well-being of Malaysian college students. *Asian Education and Development Studies*, 1(2), 153-170.

Servon, L. J.; & Robert, K. (2008). Consumer Financial Literacy and the Impact of Consumer Affairs. *Journal of Consumer Affairs*, 42(2), 271-305.

Worthington, A. C. (2006). Predicting financial literacy in Australia. *Financial Services Review*, 15, 59-79.

Weston, L.P. (2008). *8 Things Your Financial Planner won't tell you*. Available at: <http://articles.moneycentral.msn.com/RetirementandWills/CreateaPlan/8ThingsYourFinancialPlannerWontTellYou.aspx>.